

وحدت در گفتار و سیره امام علی

<?xml encoding="UTF-8">

پیشگفتار

یکی از اهداف و آرمانهای مسلمانان «وحدت اسلامی» است. مصلحان مسلمان می کوشیدند تا در جهان اسلام اتحاد و همگرایی به وجود آید.

امام علی علیه السلام به عنوان مصلح از منادیان و طلایه داران اتحاد می باشد. او خود را شیفته و حریص ترین انسان نسبت به وحدت مسلمانان دانسته و یکی از علل بیست و پنج سال سکوت خود در برابر خلفا را حفظ وحدت اسلامی یاد نمود. از سوی دیگر همه مسلمانان را به همسویی و همدلی فراخواند، تا اتحاد نهاده شده و شجره طیبه آن به بار بنشیند.

یکی از موضوعات بایسته پژوهش در سال امام علی علیه السلام، وحدت در گفتار و سیره آن امام همام است. رهبر فرزانه انقلاب با اعلام سال 1379 به عنوان سال امام علی علیه السلام به دو محور امنیت ملی و وحدت ملی توجه خاص نموده و همه فرهیختگان و صاحبان اندیشه را به بحث و بررسی پیرامون این دو عنصر فراخواند. این نوشتار می کوشد وحدت در گفتار و سیره امام علی علیه السلام را مورد تحلیل قرار دهد. نخست بیان دو مطلب ضروری است:

اول: گرچه عنوان مقاله «وحدت در گفتار و سیره امام علی علیه السلام» است؛ ولی برای تبیین «سنت» آن حضرت از قرآن، روایات معصومان دیگر و از دیدگاه نظریه پردازان نیز بهره گرفته شده است.

دوم: برای تبیین وحدت در کلام و سیره امام علی علیه السلام می طلبد که عوامل و زمینه های اختلاف نیز بررسی شود؛ زیرا بدون شناخت عوامل مخلّ وحدت و از بین بردن آن، اتحاد امکان پذیر نیست. پس این پرسش نیز مطرح است که علی علیه السلام به عنوان منادی وحدت؛ چرا در حکومت او، جنگ ها و اختلاف ها پیش آمد؟! این مقاله در دو مرحله تبیین شده است. مرحله اول به مسایل وحدت اختصاص یافته و مرحله دوم آن به عوامل و زمینه های اختلاف اختصاص داده شده است.

مسایل وحدت

الف - اهمیت و ضرورت وحدت

در اسلام وحدت اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قرآن در ضمن آن که همگان را به همگرایی و همبستگی فرا خوانده است؛ از وحدت اسلامی به عنوان نعمت یاد کرده و اختلاف را در ردیف عذاب الهی قرار داده است. «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا واذکروا نعمة الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمة اخواناً...» (1)؛ همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یادآورید که چگونه دشمن یک دیگر بودید و او در میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید. «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعاً...» (2)؛ بگو او قادر

است عذابی از طرف بالا و یا از زیر پایتان بر شما فروفرستد و یا آن که لباس تفرقه و پراکندگی بر شما بپوشاند...
امام علی علیه السلام نیز همبستگی را زمینه ریزش فیض الهی دانسته (3) و وحدت را یکی از ارمغان های بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان کرد. (4) همچنین او خود را شیفته و حریص ترین انسان نسبت به وحدت اسلامی دانسته و فرمود:

صلی الله علیه و سلم ولیس رجل - فاعلم - أحرص على جماعة أمة محمد صلی الله علیه و آله و ألفتها منی،
ابتغی بذلک حسن الثواب و کرم المأب...» (5)

این نکته را بدان هیچ کس از من بر اتحاد و همبستگی امت محمد صلی الله علیه و آله حریص تر نیست که
بدان ثواب می جویم و فرجام نیک می طلبم...

وحدت قانون حاکم بر تمام هستی است. قطرات باران با همگرایی دریاها را تشکیل می دهند. ملکول های بدن
انسان با همسویی، سلامت بدن را تأمین می کنند. حیوانات مانند مورچه ها... با همگرایی از آسیب های دشمن
خودشان را حفظ می کنند.

براین اساس نظام آفرینش، نظام توحید و وحدت گرایی است. به قول شاعر که سروده است:

آفرینش درس وحدت می دهد برهرعالمی

چون که بنیان جهان شد از بنای اتحاد

رمز وحدت را بجو از قل هو الله احد

می دهد این آیه عالم را صلاى اتحاد (6)

اقبال لاهوری نیز گفته است:

برگ و ساز کائنات از وحدت است

اندرین عالم حیات از وحدت است (7)

امام علی علیه السلام بدان اشاره کرده است. (8)

ضرورت وحدت اسلامی بیشتر در برابر سیاست تفرقه انگیز دشمنان اسلام ظهور می کند. به نمونه زیر توجه شود!
زمان پادشاهان قاجار، حکومت عثمانی بزرگ ترین حکومت اسلامی در جهان به شمار می آمد...

در کنار سفارت عثمانی در تهران مسجد کوچکی وجود داشت. امام جماعت مسجد (و یا یکی از نمازگزاران آن
مسجد) می گفت: روزه خوانی را دیدم که هر روز صبح به مسجد می آید و روزه حضرت زهرا علیهاالسلام را می
خواند و به عثمان خلیفه سوم ناسزا می گوید. روزی به او گفتم: چرا تو هر روز همین روزه را می خوانی و همان
ناسزا را می گویی و تکرار می کنی، مگر روزه دیگری نمی دانی؟

او در پاسخ گفت: روزه دیگر می دانم ولی یک نفر بانی دارم که هر روز پنج ریال به من می دهد ولی می گوید
همین روزه را با این کیفیت بخوان. خصوصیات و محل او را گفت.

من پی گیری کردم، دیدم بانی روزه یک نفر کاسب مغازه دار است. جریان را به او گفتم، وی گفت: شخصی روزی
دو تومان به من می دهد تا در آن مسجد چنین روزه خوانده شود. من هم پنج ریال آن را به روزه خوان می
دهم و پانزده ریال آن را خود برمی دارم. باز هم جریان را پی گیری کردم، سرانجام معلوم شد که از طرف سفارت
انگلیس روزی 25 تومان برای این روزه خوانی (برای ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و سپس ایران و حکومت

عثمانی) داده می شود.

عزت مندی و آزادی در سایه شجره طیبه اتحاد و همبستگی امکان پذیر است. چنان چه امام علی علیه السلام فرمود: «هیچ ملتی درباره انجام کاری باهم متحد نشد، جز این که نیرو و قدرت پیدا کرد و هیچ ملتی از این قدرت بهره نگرفت، مگر این که خداوند گرفتاری آنان را بر طرف کرد و آن ها را از بلای ذلت نجات داد.» (9)

همچنین آن حضرت عزت مندی و موفقیت و ذلت امت های گذشته را مبنی برهمگرایی و اختلاف دانسته، فرمود: «اگر بیندیشید در تفاوت احوال آن ها در زمان خوشی و رفاه و زمان سختی، آنگاه لازم می شود بر شما که به سراغ عواملی بروید که باعث عزت و اقتدار آنان شد و دشمنانشان را از آن ها دور کرد و عافیت و سلامت برایشان آورد... و آن عبارت است از پرهیز از تفرقه و اهتمام به الفت و محبت و توصیه و تشویش برهمگامی و همبستگی...» (10)؛ «بنگرید آن ها چگونه بودند هنگامی که جمعیت هایشان متحد، خواسته ها متفق، قلب ها و اندیشه ها معتدل، دست ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یک دیگر، دیده ها نافذ و عزم ها و هدف ها همه یکی بود؛ آیا زمامدار و پیشوای همه جهانیان نشدند؟! از آن طرف پایان کار آنان را نیز بنگرید، آن هنگام که پراکندگی در میان آن ها واقع شد، الفتشان به تشتت گرایید، اهداف و دلها اختلاف پیدا کردند، به گروههای متعددی تقسیم شدند و در اثر پراکندگی، باهم به نبرد برخاستند. (در این هنگام بود) که لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون شد و وسعت و نعمت از آنان سلب شد و تنها سرگذشت آنان در میان شما باقی مانده که مایه عبرت برای عبرت گیرندگان است...» (11)

ب - مقصود از وحدت اسلامی

همان طوری که بیان شد، وحدت ضرورت دارد ولی در این جا این سؤال قابل طرح است که مقصود از وحدت چیست؟ اصولاً واژه «وحدت» و یا «اتحاد» در مسایل اجتماعی در مواردی استفاده می شود که نوعی اختلاف وجود داشته باشد، تا وحدت به وجود آید و بدون هیچ گونه اختلافات اتحاد موجود بوده و نیاز به وحدت ندارد. و حال آن که در اسلام دعوت به همگرایی شده است. (12)

از سوی دیگر برخی از اختلافات، معقول و منطقی است. چنان چه اختلافات طبیعی مانند اختلاف رنگ ها و قبیله ها لازمه آفرینش و خلقت انسان به حساب آمده است: «و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و اللوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین» (13)

بنابراین معنای وحدت آن نیست که در جامعه اختلاف رنگ ها، زبان ها و... و اختلاف سلیقه ها، تضارب اندیشه و جناح بندی های سیاسی وجود نداشته باشد؛ زیرا در اسلام به انتقادهای سازنده، تضارب اندیشه و رقابت های سیاسی منطقی، سفارش شده و آن ها از اصول پذیرفته شده هستند که این عناصر معمولاً اختلاف آور می باشند.

همین طور معنای وحدت آن نیست که اقلیتهای مذهبی از عقاید خود دست برداشته و عقیده ای واحد داشته باشند و یا سنی ها شیعه و شیعیان سنی شوند؛ بلکه مقصود از وحدت آن است که همه افراد و گروههای یک جامعه با بهره گیری از عوامل وحدت و با اتخاذ سیاست های اصولی و منطقی در قبال سیاستهای خصمانه دشمن مشترک خود، متحد بوده و از اختلافات غیر معقول پرهیز کرده و اختلافات خود را با تبادل اندیشه حل نموده و با صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند.

استاد شهید مطهری می نویسد: «آیا مقصود از وحدت چیست؟ آیا مقصود این است: از میان مذاهب اسلامی

یکی انتخاب شود... و یا این که وحدت اسلامی هیچ ربطی به وحدت مذهب ندارد؟ مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات، در برابر بیگانگان است... (و) متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.» (14)

مقصود از وحدت در سیره امام علی علیه السلام نیز بدین معناست که آن حضرت علی رغم آن که ولایت را حق خود دانسته و با خلفا اختلاف داشت و سیاست آن ها را نقد می کرد (15)؛ ولی در هنگامی که دشمنان مشترک مسلمانان، اصل دین و مصالح عمومی امت اسلامی را تهدید می کردند، آن حضرت با خلفا همگرا شده و با آن ها همکاری می کرد. (16)

وحدت در جامعه اسلامی ایران نیز بدین معنا است که گروههای دلسوز نظام علی رغم اختلاف سلیقه ها و رقابت های سیاسی منطقی، باهم متحد شده و در برابر دشمنان نظام اسلامی صف واحدی را تشکیل دهند تا وحدت ملی در جامعه نهادینه شود.

ج - امکان وحدت

بعد از بیان اهمیت وحدت و مقصود از وحدت، این پرسش قابل طرح است: با توجه به اقلیتهای مذهبی، جناح های سیاسی و افراد متعدد با سلیقه های مختلف اصولاً اتحاد و ایجاد جامعه متحد امکان پذیر است؟ در جواب باید گفت: همان طوری که بیان شد، مقصود از وحدت آن است که همه افراد و گروه ها در ایجاد جامعه متحد همسویی کنند و این اتحاد با توجه به عوامل و مؤلفه های وحدت (که بعداً بیان خواهد شد) امکان پذیر است. در حوزه تعلیماتی اسلام نه تنها اتحاد در یک جامعه امکان پذیر است که حتی همبستگی پیروان همه ادیان الهی امکان دارد؛ چنان چه در قرآن همه پیروان ادیان الهی به وحدت فراخوانده شده اند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئاً...» (17)

اگر چنین همگرایی امکان پذیر نبود، معنا نداشت که خداوند همه پیروان ادیان الهی را به همگرایی و وحدت دعوت می کرد؛ زیرا جعل اصل تکلیف فرع بر امکان آن است. استاد آیت الله جوادی آملی می نویسد: «این که خداوند ما را گوناگون آفریده و به وحدت امر کرد و از تفرقه باز داشت، نشانگر این حقیقت است که رسیدن به وحدت، میسر و پرهیز از تفرقه، ممکن است.» (18)

در قرآن یکی از وظایف انبیاء رفع اختلافات و ایجاد امت واحده بیان شده است. (19) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بهره گیری از عوامل و محورهای وحدت و مبارزه با عوامل اختلاف، توانست امت منسجم ایجاد نماید. چنان که «جان دیون پورت» می نویسد: «... محمد یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشورش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نمود...» (20)

امام علی علیه السلام با شناخت دقیق از معارف قرآن و اتحاد حاکم در جامعه مدینه النبی صلی الله علیه و آله همه مسلمانان را به همبستگی فراخواند که نشان دهنده امکان وحدت اسلامی است: «والزموا السواد الاعظم فان یدالله مع الجماعة. و ایاکم و الفرقة فان الشاؤ من الناس للشیطان کما ان الشاؤ من الغنم للذئب الا من دعا الی هذا الشعار فاقتلوه و لوکان تحت عمامتی هذه...» (21)

با اکثریت همداستان شوید که دست خدا همراه جماعت است؛ و از تفرقه پرهیز کنید که موجب آفت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنان که گوسفند از گله درماند، نصیب گرگ بیابان است...

همچنین علی علیه السلام از وحدت اسلامی به عنوان نعمت الهی یاد کرد: «بی گمان خداوند سبحان برجماعت متحد این امت، با این رشته همبستگی که پیوندشان داد، تا در سایه اش آرام گیرند و بدوپناه برند، با نعمت وحدتی منت نهاد که هیچ آفریده ای بهایش را در نمی یابد که از هربهایی پربهاتر است و از هر سترگی سترگ تر.» (22)

د - عوامل و محورهای وحدت

در یک جامعه با بودن گروههای سیاسی، اقلیتهای مذهبی و افراد مختلف نیاز به عوامل و حلقه های اتصالیه که همه اعضای یک جامعه را مانند دانه های تسبیح باهم پیوند دهند؛ از این رو دانشمندان برای ایجاد همبستگی در یک جامعه عواملی را مانند زبان، ملیت، جغرافیا... مطرح کرده اند؛ ولی در اسلام گرچه این عناصر نادیده گرفته نشده است، ولی این عوامل عناصر اصلی وحدت نیستند، به دلیل این که این عوامل ظاهری و صوری هستند. شاهدش همانا جنگ های داخلی و قومی در یک جامعه است. به قول مولوی:

پس زبان محرمی خود دیگر است

همدلی از همزبانی بهتر است

در قرآن نیز آمده است: «ای رسول من! تو اگر بخواهی همه ذخایر زمینی را توزیع کنی تا مردم را متحد کنی، نمی توانی و آن خداست که بین قلب ها الفت ایجاد می کند.» (23)

از این استفاده می شود که برای ایجاد وحدت نیاز به عوامل دیگری است که در خود قرآن و روایات بدان اشاره شده است که این عوامل عبارتند از:

1 - اصل توحید

براساس جهان بینی اسلامی جهان براساس توحید و وحدت است و خداوند خالق همه موجودات می باشد. همه مسلمانان به اصل توحید عقیده دارند و اصل توحید امری فطری است. ایمان به خداوند است که قلب های مؤمنان را به هم مهربان و همسو می کند که گویا همه آنان روح واحد دارند.

مؤمنان معدود و لیک ایمان یکی

جسمشان معدود ولیکن جان یکی

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد جانهای شیران خداست

در قرآن از اصل توحید به عنوان عامل مهم وحدت همه ادیان یاد شده است. (24)

همچنین در قرآن توحید به عنوان عامل وحدت «امت واحده» ذکر شده است:

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (25)

همچنین در قرآن مرزهای جغرافیایی، نژادی و... برداشته و ایمان به خداوند به عنوان مرز عقیدتی بیان شده

است: «أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ اخْوَةً» (26)

در برخی روایات مؤمنان همانند نفس و جسم واحد بیان شده اند که ایمان به خدا جان و روح همه آنان است:

امام علی علیه السلام از اصل توحید و خدای واحد به عنوان محوری ترین عامل وحدت یاد کرد؛ چنان چه او در نکوهش آن عده از دانشمندانی که خدای واحد، کتاب واحد و پیامبر واحد دارند، اختلاف نموده، فرموده: «الهمم واحد ونبیهم واحد و کتابهم واحد...» (28)؛ و این در حالی است که خدا و پیامبر و کتابشان یکی است...

2 - دین اسلام

اسلام به عنوان مجموعه قوانین الهی که ریشه در فطرت دارد، یکی از محورهای مهم وحدت اسلامی است. در این جا این پرسش مطرح است که اصولاً دین چگونه مایه وحدت است؟ سه احتمال قابل بررسی است: اول: آن که دین همه را به همگرایی فراخوانده و بهره گیری از دستورات دین عامل وحدت جامعه است. دوم: آن که هرگاه دشمنان، اسلام را نشانه گرفتند و مقدسات آن را زیر سؤال بردند، مسلمانان متحد شده و از آن دفاع و پاسداری می کنند.

سوم: آن که دین واحد عامل وحدت است.

بنابر هر سه احتمال، دین محور وحدت است. اسلام همگان را برادر خوانده است.

علی علیه السلام فرمود: «واقعیت جز این نیست که همگی شما براساس دین خدا برادرید.» (29) از سوی دیگر هرگاه دشمنان اسلام در برابر اسلام ایستادند، مسلمانان در برابر تمام دنیای آن ها ایستادند. گرچه مسلمانان از برخی احکام اسلام برداشتهای متفاوت کرده و می کنند، ولی اصل دین به عنوان اصل مشترک بین همه مسلمانان بوده و محور اصلی وحدت جامعه اسلامی است.

در قرآن نیز دین به عنوان عامل اصلی وحدت بیان شده است:

«واعتصموا بحبل الله...» در تفسیر این آیه مقصود از حبل الله چیست؟

در برخی از تفاسیر مانند مجمع البیان (30)، التبیان (31) و روح البیان (32) آمده است که همانا مقصود از «حبل الله» دین اسلام است. همچنین در قرآن آمده است که شما مسلمانان مانند مشرکان نباشید که آن ها در دینشان اختلاف کردند: «ولاتکونوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم وکانوا شیعیاً» (33) در تفسیر نمونه آمده است:

«مذهب همیشه عامل وحدت و یکپارچگی در محیط خود بوده و همان گونه که در مورد اسلام و قبایل حجازی و

حتی اقوام خارج از جزیره العرب تحقق یافت و به اختلافات پایان داده و امت واحد ساخت.» (34)

امام علی علیه السلام نیز یکی از عوامل وحدت را دین می دانست: «أدین یجمعکم» (35)؛ آیا دینی ندارید تا محور اتحاد شود؟

3 - قرآن

یکی از محورهای مهم وحدت اسلامی، قرآن است. گرچه برخی از مسلمانان در تفسیر برخی از آیات اختلاف نظر داشته و برداشت های متفاوت دارند؛ ولی اصل وجود قرآن به عنوان کتاب واحد، مورد قبول همگان بوده و عامل مهم همبستگی آنان است. هرگاه قرآن و معارف بلند آن از سوی دشمنان تهدید شود، همه مسلمانان با جان و مال از آن دفاع و پاسداری می کنند. از سوی دیگر قرآن همه مسلمانان را به همگرایی فرا خوانده است که این دعوت نقش بنیادی در وحدت گرایی دارد. در قرآن نیز از این کتاب الهی به عنوان عامل وحدت یاد شده است.

چنان چه در برخی از تفاسیر مانند روح المعانی (36)، تفسیر ابن کثیر، (37) المیزان (38) و تفسیر الکبیر (39)، مقصود از «حبل الله» در آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» به قرآن تفسیر شده است که این آیه صریحاً چنگ زدن به قرآن را عامل وحدت دانسته است. شاید بر همین اساس باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله از قرآن و عترت به عنوان دو امانت گرانسنگ یاد کرد. (40)

امام علی علیه السلام نیز از قرآن به عنوان محور عمده وحدت یاد نمود:

«و الههم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد» (41)

این جملات خطاب به برخی از دانشمندان است که با وجود قرآن واحد اختلاف دارند.

اقبال لاهوری می گوید:

از یک آیینی مسلمانان زنده است
 پیکر ملت ز قرآن زنده است
 ما همه خاک و دل آگاه اوست
 اعتصامش کن که حبل الله اوست
 چون گهر دو رشته او سفته شو
 ورنه مانند غبار آشفته شو (42)

4 - پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

یکی از محورهای وحدت امت اسلامی، وجود مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. نقش پیامبر در ایجاد وحدت از این جهت قابل بررسی است:

نخست آن که او فرستاده خداوند بوده و تا قیامت پیامبر همه مردم است. (43) از این جهت او به عنوان پیامبر واحد، مورد قبول همگان است.

در صدر اسلام مسلمانان مانند پروانه دور شمع وجودی آن حضرت می چرخیدند و وجود پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را مانند دانه های تسبیح به هم پیوند می داد. مسلمانان صدر اسلام آن چنان پیامبر را دوست می داشتند که در جنگ ها برای حفظ جان پیامبر از یک دیگر سبقت می گرفتند.

دشمنان اسلام از وجود پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مهر اتحاد و عامل همبستگی مسلمانان وحشت داشتند؛ از این رو در جنگ احد برای این که اختلاف ایجاد کنند، شایعه کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله کشته شده است. در عصر حاضر نیز اهانت سلمان رشدی به ساحت مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، نشان داد که مسلمانان نمی توانند اهانت به او را تحمل کنند. اقبال لاهوری گفته است:

دل به محبوب حجازی بسته ایم
 زین جهت با یکدیگر پیوسته ایم
 عشق او سرمایه جمعیت است
 همچون خون اندر عروق ملت است
 عشق در جان و نسب در پیکر است

رشته عشق از نسب محکم تر است

عشق ورزی، از نسب باید گذشت

هم ز ایران و عرب باید گذشت

امت او مثل او نور حق است

هستی ما از وجودش مشتق است. (44)

دوم آن که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علاوه بر آن که رسول خدا است، رهبر جهان اسلام نیز می باشد. بی

تردید رهبر نقش بنیادی در وحدت دارد. (45)

مرحوم طبرسی در ذیل آیه: «واعتصموا بحبل الله جمعیاً و لا تفرقوا» می نویسد: مقصود از «حبل الله» پیامبر

اسلام است. (46)

امام علی علیه السلام در هنگام درگیری با اهل شام، از اختلافات بین مسلمانان اظهار نگرانی نموده و از پیامبر

واحد و خداوند واحد به عنوان محورهای همگرایی یاد نموده است: «وكان بدء امرنا أنا والتقينا والقوم من اهل

الشام و الظاهر ان ربنا واحد و نبينا واحد و دعوتنا فی الاسلام واحد» (47)؛ جریان کارمان با درگیری با گروهی از

اهل شام آغاز شد، در حالی که به ظاهر پروردگارمان، پیامبرمان و دعوت اسلامیمان یکی بود.

همچنین آن حضرت فرمود: «اما همین که حضرت (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) درگذشت، مسلمانان به

کشمکش پرداختند.» (48)

از جملات امام علی علیه السلام این نکته استفاده می شود که مسلمانان با داشتن محورهای اتحاد مانند وجود

پیامبر و دین واحد نباید اختلاف داشته باشند. از سوی دیگر مسلمانان بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

اختلاف پیدا کردند و در زمان حیات او مسلمانان متحد بودند.

5 - مصالح عمومی

یکی از عوامل مهم ایجاد وحدت، مصالح عمومی است. در جامعه ای که اقلیت های مذهبی، جناح های سیاسی

و... وجود دارند، حق فردی و گروهی نیز وجود دارند که ممکن است این حقوق در تعارض قرار گرفته، تنش ایجاد

کنند. برای جلوگیری از اختلافات نیاز به محور اتحاد است که حلقه اتصال همه افراد و گروه ها می باشد.

برهمن اساس است که هرگاه مصالح عمومی یک جامعه در معرض تهدید قرار گیرد، مصالح فردی و گروهی

نادیده گرفته می شود و همه افراد متحد شده از آن دفاع می کنند.

در جامعه اسلامی نیز جناح های سیاسی و افرادی باسلیقه های مختلف وجود دارند که گاهی تعارض در رعایت

حقوق آن ها به وجود آمده و تضارب افکار زمینه برخی از اختلافات را به وجود می آورد. برای ایجاد وحدت نیاز به

محور وحدت است که همانا «مصالح عمومی» است. امام علی علیه السلام علی رغم آن که ولایت را حق مسلم

خود دانسته (49) و بارها از آن دفاع کرده است، ولی در برابر خلفای سه گانه قیام نکرده، 25 سال سکوت کرد.

سکوت امام این پرسش را نیز به وجود می آورد که چه عامل یا عواملی سبب شدند که آن حضرت قیام نکرده و

حتی با خلفا بیعت نموده و با آنان همکاری کند؟ (50)

واقعیت این است که سکوت امام و همکاری او با خلفا در راستای مصالح عمومی صورت گرفت. اوضاع سیاسی و

اجتماعی... صدر اسلام نشان می دهد که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، اسلام و مسلمانان دچار

مشکلات و بحرانهای خطرناک فراوان شده که هر کدام آن ها برای اسلام و مسلمانان خطرات جدی بودند. ظهور

پیامبران دروغین، ارتداد و اختلافات شدید بین مسلمانان را می توان از جمله آن ها ذکر کرد. (51)

ابن هشام می نویسد: «چون پیامبر وفات نمود، بلا و مصیبت بر مسلمانان بزرگ شد، یهودیان سربرافراشته و مسیحیان خوشحالی کردند. اهل نفاق از دین برگشته و اعراب می خواستند مرتد شوند. اهل مکه می خواستند مجدداً بت پرستی کرده و دین پیامبر را منسوخ نمایند.» (52)

در جایی که دین در خطر است و دشمنان مصالح عمومی مسلمانان را به خطر انداخته و هرگونه اختلاف ضربه بر پیکر امت اسلامی است، باید همه افراد جامعه متحد شوند.

امام علی علیه السلام که خود یکی از سنگربانان دین و طلایه داران وحدت است، در چنین فضایی یکی از علل سکوت خود را رعایت مصالح عمومی و حفظ وحدت اسلامی بیان کرد: «و ایم الله لولا مخافة الفرقة بین المسلمین و ان يعود الکفر و یبورالدین لکنا غیر ما کنا لهم علیه.» (53)

به خدا سوگند! اگر ترس وقوع تفرقه میان مسلمانان و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آن ها طور دیگری بود.

همچنین آن حضرت در جواب ابوسفیان بعد از تشکیل سقیفه - که به عنوان حمایت از علی علیه السلام می خواست فتنه به پا کند... همگان را به وحدت فرا خواند:

«ایهاالناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة و عرجوا عن طریق المنافرة وضعوا تیجان المفاخرة» (54)

امواج کوه پیکر فتنه ها را با کشتی های نجات (علم، ایمان و اتحاد) درهم شکنید؛ از راه اختلاف و پراکندگی کنار آبیید، تاج تفاخر و برتری جویی از سر بنهید.

6 - ارزشها

هرجامعه ای وارث سنت و اصول پذیرفته ای شده است که مردم آن جامعه به آن ها علاقمند بوده و حفظ آن اصول، عامل وحدت است. جامعه اسلامی نیز سنتها و اصولی دارد که می توان از آن ها به عنوان ارزشهای اسلامی یاد کرد. هویت و استقلال جامعه اسلامی بستگی به پاسداری آن ها داشته و حفظ آن ها یکی از مؤلفه های وحدت اسلامی است که هرگاه دشمنان آن ارزشها را تهدید کردند، باهم متحد شده و از آن ها پاسداری و دفاع کنند.

امام علی علیه السلام به مالک اشتر دستور می دهد که سنتهای دیگر ایجاد نکرده، پاسدار ارزشهای اسلامی باشند، که آن ارزشها سبب وحدت اسلامی است: «هیچ سنت شایسته ای را مشکن که معیار عمل بزرگان این امت بوده است و همبستگی و کار ملت بر محورش سامان می یافته است و هیچ راه و رسم جدیدی ایجاد مکن که به سنتی از این سنتها آسیب برساند.» (55)

7 - حقانیت

یکی از عوامل مهم ایجاد وحدت، حقانیت است. اگر افراد جامعه ای براین باور باشند که آنان برحق هستند، باید با بهره گیری از این عنصر در برابر دشمنان باطل گرا همداستان و متحد شوند. امام علی صلی الله علیه و آله وسلم نیز از حقانیت به عنوان محور همبستگی یاد نمود؛ چنان چه آن حضرت در پی جنایات سپاهیان معاویه در شهر انبار، سپاهیان خود را به خاطر سستی در جهاد، نکوهش نموده و فرمود: «والله یمیت القلب و یجلب الهم اجتماع هولاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم» (56)

به خدا سوگند! که چنین وضعی قلب را می میراند و از هرسو غم و اندوه برمی انگیزد که این قوم برباطل خویش متحد و همداستان اند و شما بر محور حقتان پراکنده اید؛ یعنی شما که برحق هستید، باید متحد باشید. پیام این جملات حضرت آن است که همه حق گویان جهان با محوریت حق، در برابر همه باطل گران با محوریت باطل همداستان شوند.

8 - حکومت و رهبری

حکومت و رهبری آن مؤثرترین عامل همسویی و همگرایی است. در این جا این پرسش قابل طرح است که اصولاً چگونه حکومت عامل وحدت است؟ در جواب باید گفت: حکومت نقش بنیادی در برقراری امنیت، نظم و اجرای قوانین دارد. از این رو همه جوامع خالی از حکومت نبوده و همگان بر ضرورت آن اتفاق دارند. برهمین اساس هرگاه حکومت مورد قبول آنان تهدید شود، از آن دفاع نموده و همه مردم متحد می شوند. در جامعه اسلامی بویژه در فرهنگ شیعی، حکومت جایگاه الهی داشته و امامت ادامه رسالت می باشد. از این رو حفظ نظام از اهمّ واجبات بوده و رهبر محور و قطب حکومت می باشد؛ چنان چه امام علی علیه السلام از خود به عنوان محور جامعه و از امامت به عنوان نظم دهنده امت اسلامی یاد کرد:

«واقعیت جز این نیست که من قطب آسیابم، و چرخهای کشور باید برمحورم همواره بچرخد و من در جای خویش ثابت بمانم. اگر لحظه ای من جایگاهم را رهاکنم، مدارش سرگردان می شود و سنگ زیرین آن به لرزش می گراید...» (57) «والامامة نظاماً للامة، و الطاعة تعظيماً للامامة» (58)

امام خمینی قدس سره حکومت را به عنوان عامل وحدت بیان کرد: «تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است، چنانکه حضرت زهرا علیهاالسلام در خطبه ای فرمود: امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است.» (59)

بی تردید حکومت الهی و رهبری آن ریسمانی است که همه مهره ها را در نظام اسلامی به هم پیوند می دهد. چنان چه امام علی علیه السلام فرمود: «موقعیت زمامدار، همچون ریسمانی است که مهره ها را در نظام می کشد و آن ها را جمع کرده و ارتباط می بخشد. اگر ریسمانی از هم بگسلد، مهره ها پراکنده می شوند و هرکدام به جایی فرو خواهد افتاد، پس هرگز نتوان همه را جمع آوری نمود و از نو نظام بخشید.» (60)

پی نوشت ها :

1 - آل عمران، آیه 103 و تفسیرنمونه، ج 3، ص 25.

2 - سوره انعام، آیه 65.

3 - ر.ک: فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 85 و فیض الاسلام، خطبه 175.

4 - ر.ک: نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 1، ص 44 و شرح ابن ابی الحدید، ج 1، ص 93.

5 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 88.

6 - احمد احمدی بیرجندی، شعر در زندگی، ص 211.

7 - کلیات اقبال لاهوری، ص 418.

8 - ر.ک: نهج البلاغه.

- 9 - شرح ابی الحدید، ج 3، ص 185.
- 10 و 11 - نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 192.
- 12 - ر.ک: سوره انعام، آیه 159.
- 13 - سوره روم، آیه 22.
- 14 - مشعل اتحاد، ص 70.
- 15 - ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 1 و سیری در نهج البلاغه، از ص 156 به بعد.
- 16 - ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 146 و تاریخ یعقوبی، چاپ بیروت، ص 122.
- 17 - سوره آل عمران، آیه 64، تفسیر نمونه، ج 2، ص 593.
- 18 - سخنرانی ها و مقالات دومین کنفرانس وحدت اسلامی، ص 32.
- 19 - سوره بقره، آیه 213.
- 20 - تفسیرنمونه، ج 3، ص 30.
- 21 - جعفر شهیدی، شرح نهج البلاغه، ص 125، خطبه 127.
- 22 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 87.
- 23 - سوره انفال، آیه 63.
- 24 - ر.ک: سوره آل عمران، آیه 63.
- 25 - ر.ک: سوره انبیاء، آیه 92.
- 26 - سوره حجرات، آیه 10.
- 27 - تفسیر نمونه، ج 3، ص 33.
- 28 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 90.
- 29 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 90.
- 30 - ر.ک: مجمع البیان، ج 2، ص 356.
- 31 - ر.ک: التبیان، ج 2، ص 545 و 546.
- 32 - روح البیان، ج 2، ص 72.
- 33 - سوره روم، آیه 32.
- 34 - تفسیر نمونه، ج 20، ص 382.
- 35 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 90.
- 36 - ر.ک: روح المعانی، ج 4، ص 18.
- 37 - ر.ک: تفسیر ابن کثیر، ج 8، ص 397.
- 38 - ر.ک: المیزان، ج 3، ص 271.
- 39 - ر.ک: تفسیرالکبیر فخررازی، ج 8، ص 167.
- 40 - ر.ک: مسند احمد، ج 1، ص 14 و 17؛ الجامع الصغیر، ص 17 و فضایل قرآن، دارامی، ص 431.
- 41 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 9 و نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 6.
- 42 - شعر در زندگی، ص 212.
- 43 - ر.ک: سوره احزاب، آیه 4.

- 44 - مجله تقریب، از انتشارات مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ش 5، ص 145.
- 45 - در این خصوص بحث خواهد شد.
- 46 - مجمع البیان، ج 2، ص 375.
- 47 و 48 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 9.
- 49 - ر.ک: نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 170، ص 244 و سیری در نهج البلاغه، ص 148.
- 50 - ر.ک: ابراهیم ثقفی کوفی، الغارات، ص 302 و تاریخ طبری، ج 4، ص 124 و 123.
- 51 - ر.ک: تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 107.
- 52 - سیره ابن هشام، ج 4، ص 316.
- 53 - سیری در نهج البلاغه، ص 179 و 180.
- 54 - نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 5، ص 52.
- 55 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 85.
- 56 - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 309؛ صبحی صالح، ص 70 و فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 86.
- 57 - فرهنگ آفتاب، ج 1، ص 91.
- 58 - همان، ج 9، ص 4743.
- 59 - ولایت فقیه، ص 42 و رساله نوین، ج 4، ص 139.
- 60 - نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 146، ص 203.